



عده‌ای هدفمندی را محدود به اصلاح قیمت‌های نسبی می‌دانستند و بیشتر به همین دلیل یعنی اصلاح قیمت از آن دفاع و حمایت می‌کردند. گرچه دولت در شالوده هدفمندی اصلاح قیمت‌های نسبی را مفروض داشت و آن را به عنوان مکانیسم اصلی اصلاح مدیریت و رفتار و تخصیص منابع می‌دید، اما ابعاد اجتماعی هدفمندی برای ما اصل بود. دولت در هدفمندی علاوه بر کارایی به دنبال ایجاد عدالت بود، آن هم نه عدالت از جنس ظلم

بالسویه. ما همه اقشار مردم و بخصوص اقشار آسیب‌پذیر جامعه را در نظر داشتیم

خواهی دید. «بعد از چند ماه مجدداً وی را دیدم، پرسیدم: برادر! پس این تورم ۷۰ درصدی که می‌گفتی چه شد؟ وی مجدداً پاسخ داد: «دوماه دیگر صبر کن...» البته پس از اجراء، جنس انتقادات از هدفمندی این نبود که چرا دولت هدفمندی را اجراء کرد، بلکه مخالفان مدعی بودند، چرا دولت قانون را اجراء نکرده است. آقای بهروز مرادی معاون سابق برنامه‌ریزی رئیس‌جمهور که هنگام هدفمندی، رئیس سازمان هدفمندی بود به من می‌گفت: یک بار از یکی از اعضای منتقد هیأت رئیسه مجلس پرسیدم: اجراء هدفمندی چطور بود؟ وی در پاسخ گفته بود: عالی اجراء کردید، اما قانون را اجراء نکردید.

البته از سال ۹۱ به بعد که مقوله شوک‌های ارزی در اثر تحریم‌ها بیشتر شد و به زمان انتخابات ریاست جمهوری نیز نزدیک‌تر شدید، عده‌ای فکر می‌کردند که اگر مشکلات به وجود آمده را ناشی از تحریم‌ها معرفی کنند، نمی‌توانند برای خودشان رأی جمع کنند. لذا همه مشکلات را به گردن هدفمندی و اجراء آن انداختند. اگرچه نهایتاً بیروز انتخابات کاملاً برعکس عمل کرد و راه‌حل مشکلات موجود در کشور را به توافق با غرب و رفع تحریم‌ها نسبت داد.

● در روزهای ابتدایی اجراء فاز نخست هدفمندی، بحثی در مورد اصلاح نرخ ارز مطرح شد. مثل اینکه قرار شده بود همزمان با اجراء هدفمندی، نرخ ارز نیز

صورت نگرفته، بیشتر بوده است.

● چهار روز بعد از اجراء هدفمندی یارانه‌ها، به جلسه غیرعلنی مجلس دعوت شدید، از اتفاقات آن جلسه بگوئید. آقای مصباحی مقدم درباره آن جلسه گفته از وزیر اقتصاد خواستیم شیب اصلاح قیمت‌ها را ملایم‌تر کند و اونیز پذیرفت.

چنین چیزی صحت ندارد. اتفاقاً من بعد از اجراء هدفمندی خیلی محکم‌تر و با انگیزه‌تر در کمیسیون‌های مجلس حضور پیدا کردم و از نحوه اجراء دولت با قوت دفاع کردم. خود نماینده‌ها نیز در هفته‌های نخست فقط تحسین می‌کردند و به شدت حمایت. حتی نماینده‌هایی که مخالف روش اجراء دولت بودند نیز سکوت کرده بودند. اتفاقاً بنده در جایی به نقل از آقای مصباحی مقدم خواندم که می‌گفت: مجلسی‌ها اعتقاد داشتند باید هدفمندی با شیب کندتری اجراء شود اما دولت قصد داشت شیب تند را اجراء کند که نهایتاً ما به این نتیجه رسیدیم که دولت درست می‌گوید. حتی یک بار آقای ابوترابی نماینده مجلس در جلسه‌ای خصوصی به من گفت: «ای کاش تمام هدفمندی را در فاز اول اجراء کرده بودید.» اجازه بدهید خاطره‌ای برایتان نقل کنم.

آقای روح‌الله حسینیان نماینده مردم تهران به من نقل می‌کرد: «بعد از اجراء هدفمندی احمد توکلی را دیدم. از وی پرسیدم تورم ۷۰ درصدی که می‌گفتی چه شد؟ توکلی گفت: «دوماه دیگر صبر کن،

بالسویه. ما همه اقشار مردم و بخصوص اقشار آسیب‌پذیر جامعه را در نظر داشتیم.

● شما منتقد اصلاح قیمت ارز بودید؟

به هیچ وجه منتقد اصلاح قیمت ارز نبودم، اساساً نمی‌توان در این مباحث خیلی ساده و انتزاعی صحبت کرد. من در برهه‌ای که پیشتر توضیح دادم مخالف جدی کاهش دستوری نرخ ارز بودم. آن روزها صحبت‌هایی درباره کاهش نرخ ارز صورت می‌گرفت که همه را نگران کرده بود. حتی یادم هست، مردادماه ۸۷ در آستانه اخذ رأی اعتماد از مجلس، در سخنرانی که در اتاق بازرگانی داشتم، گفتم شوک به بازار ارز منتفی است. از طرفی به یاد دارم وقتی افزایش قیمت ارز در سال ۸۹ در ستاد هدفمندی بحث شد، تحلیلی که من مطرح کردم و نهایتاً هم در ستاد بر اساس آن به جمع‌بندی نهایی رسیدیم، این بود که ما قصد داریم یک شوک بزرگ قیمتی و ساختاری را به اقتصاد ایران وارد کنیم. مدیریت همین تکانه یا شوک، کار دشواری است، حالا اگر یک شوک ارزی را هم وارد کنیم، چه بسا کار از دست ما خارج شود و فشار برای برخی فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تحمل شود. هیچ‌گاه من در خلأ به دنبال اجراء تصورات و ذهنیت‌های خودم نبودم، سعی می‌کردم واقعیت‌ها را درک کنم، به نظرم دیگران هم همینطور بودند که بی‌تنش و با آرامش، آن کار بزرگ انجام شد. البته طبیعی بود که نظرات با هم متفاوت باشد، بحث می‌کردیم، استدلال موافق و مخالف گفته می‌شد.

● پس اختلاف نظر وجود داشت؟

بله؛ در مورد دو شوک دیگر مثل شوک ارزی و شوک نرخ سود اختلاف نظرهایی در ابتدا وجود داشت. عده‌ای در دولت معتقد بودند برای حمایت از تولید داخلی باید نرخ سود را کاهش بدهیم. عده‌ای نیز می‌گفتند بازار پول باید به تعادل برسد، لذا باید نرخ سود را افزایش دهیم. در خصوص نرخ ارز هم عده‌ای معتقد به افزایش نرخ ارز بودند تا به واسطه آن از تولید داخلی حمایت شود. گروهی نیز معتقد بودند فقط بخشی از تولید ما به ارز وابسته است و قیمت ارز بر افزایش تولید داخلی تأثیری ندارد. اما جمع بندی این شد که سراغ تغییر نرخ دو نرخ همزمان با اصلاح قیمت‌های انرژی، آب و گندم نرویم.

● نظر شخصی آقای احمدی‌نژاد چه بود؟

این جمع‌بندی‌ها با حضور مستقیم و مدیریت آقای احمدی‌نژاد صورت گرفت و روی این مسأله نیز اجماع شد. افرادی مثل موسی غنی‌نژاد و مسعود نیلی که در دوران مدیریت شما، جزء منتقدان دولت بودند، در اظهاراتی گفته بودند «اگر چه با کلیت هدفمندی موافق هستیم، اما معتقدیم علائم نشان می‌دهد که دولت باید قیمت ارز را دستکاری کند، اما متأسفانه شاهد این موضوع نیستیم و باید همین مسأله یکی از نگرانی‌های آینده و چالش‌های آتی هدفمندی باشد.»

بله، افرادی این تفکر را داشتند و می‌گفتند دولت اصلاً چرا می‌گوید هدفمندی. بگوید اصلاح قیمت‌های نسبی. چون به بازنوع یارانه معتقد نبودند. البته یادمان باشد فرق هدفمندی یارانه‌ها با حذف یارانه‌ها همین بازنوع است. فرق حذف یارانه‌ها در سیاست تعدیل و هدفمندی یارانه‌ها در طرح تحول اقتصادی از جمله به این امر برمی‌گردد. ما به هیچ وجه یک بسته سیاستی به اصطلاح نئوکلاسیک‌ها، جهان‌شمول را نپذیرفتیم، بلکه مجموعه اصول علم اقتصاد را در باور داشتیم. برای مثال می‌دانستیم اصلاح قیمت‌ها باید صورت بگیرد تا مردم و بنگاه‌های اقتصادی علامت‌های مناسب و درست دریافت کنند. در واقع دولت قصد داشت ساختارهای اقتصادی را اصلاح کند نه اینکه طرف اجتماعی را بشکند. در جاهایی که ساختار اقتصادی را بدون تناسب با ظرف اجتماعی اصلاح کردند، یعنی قیمت‌ها اصلاح شدند، اما مردم حمایت نشدند، ظرف اجتماعی شکست و آن ساختار هم فروریخت. اما این اتفاق در این طرح نیفتاد، البته اگر به توصیه این آقایان گوش می‌دادیم بدون شک در ایران نیز این نوع اتفاقات ناگوار رخ می‌داد.

آنها اهل مناطق مرزی کردستان بود. وی در سرکلاس‌ها با اجراء هدفمندی مخالفت و معایب اجراء آن را مطرح می‌کرد، بعد از اینکه هدفمندی اجراء شد به من می‌گفت: «تا قبل از اجراء هدفمندی فکر می‌کردم هدفمندی فقط بر خروج قاچاق سوخت به کشورهایی مانند ترکیه اثر می‌گذارد اما بعد از هدفمندی چون سوخت از ایران حمل نمی‌شد از آن طرف نیز کالاهایی مانند پارچه به صورت قاچاق وارد کشور نمی‌شد.» جالب است بدانید قبلاً خودروی حامل سوخت و آرد در برگشت خالی نمی‌آمد و پارچه می‌آورد و حالا دیگر چون قاچاق سوخت صرفه نداشت، این امر یعنی قاچاق هم صرفه چندان نداشت.

● برخی از منتقدان دولت در آن روزها ادعا کردند، دولت با مکانیسم دستوری جلوی افزایش قیمت‌ها را گرفته؛ حتی احمد توکلی نماینده مجلس اذعان کرد که دولت با مکانیسم دستورو زور، به کارخانه‌ها اجازه افزایش قیمت نمی‌دهد و این خلاف اصول ابتدایی علم اقتصاد است. او معتقد بود اگر تورم ۷۰ درصدی رخ نداد دلیلیش استفاده دولت از ابزارهای امنیتی برای کنترل قیمت‌ها بود نه تدبیر او. آیا دولت با تدابیر امنیتی جلوی رشد قیمت‌ها را در ماه‌های ابتدایی اجراء هدفمندی گرفت؟

مگر زمانی که قیمت بنزین ۲۰ درصد افزایش می‌یافت مکانیسم قیمت‌گذاری دستوری وجود نداشت؟ پس چرا آن زمان قیمت کالاها افزایش یافت؟! سؤال من این است اگر مکانیسم دستوری کارآمد بود، چرا آن زمان با مکانیسم دستوری جلوی افزایش قیمت‌ها گرفته نمی‌شد. ضمن اینکه یک سری کالاها اصلاً مشمول قیمت‌گذاری نمی‌شوند و دولت با آنها کاری نداشت. بحث اول من این است که فرض کنید همین چیزی که شما مطرح می‌کنید درست باشد، چرا این مکانیسم قبلاً اثر نمی‌کرد. چرا در دهه ۷۰ وقتی قیمت بنزین ۲۰ درصد افزایش می‌یافت کرایه‌ها دو برابر می‌شد؟ چرا این دفعه این طور نشد. اگرچه این فرض درست نیست اما اگر همین فرض یعنی قیمت‌گذاری دستوری را هم بپذیریم پس مدیریت در دوران هدفمندی بهتر از گذشته بوده است.

ضمن اینکه شاخص بهای تولیدکننده همان ماه اول بعد از هدفمندی جهش زیادی داشت، حتماً می‌دانید که شاخص بهای تولیدکننده یعنی قیمت درب کارخانه من یک بار این بحث را مطرح کردم، عده‌ای از همین اقتصاددانان می‌گفتند: قیمت تمام شده کارخانه‌ها بالا رفته، اما چون دولت قیمت مصرف‌کننده را کنترل کرد کارخانه‌ها ورشکست شدند. پاسخ دادم، مگر می‌شود کارخانه، قیمت فروش افزایش نیافته باشد، ولی به آمارگیر مرکز آمار بگوید کارخانه من قیمت‌ها را افزایش داده است. در واقع چون از تعریف و روش محاسبه بهای تولیدکننده بی‌اطلاع بودند، دچار تحلیل اشتباه می‌شدند. لذا این استدلال که افزایش قیمت‌ها شش ماه یا یک سال توسط دولت سرکوب شد یک قضاوت غیرمستند و فریدی است. اتفاقاً شاخص بهای تولیدکننده یعنی قیمت فروش درب کارخانه، در ماه‌های اول هدفمندی جهش داشت. بررسی روند شاخص فوق طی یک سال پس از هدفمندی حرف من را تأیید می‌کند و آن اظهارات را رد می‌کند.



به دنبال شکستن ظرف اجتماعی نبودیم

افرادی این تفکر را داشتند و می‌گفتند دولت اصلاً چرا می‌گوید هدفمندی. بگوید اصلاح قیمت‌های نسبی. چون به بازنوع یارانه معتقد نبودند. البته یادمان باشد فرق هدفمندی یارانه‌ها با حذف یارانه‌ها همین بازنوع است. فرق حذف یارانه‌ها در سیاست تعدیل و هدفمندی یارانه‌ها در طرح تحول اقتصادی از جمله به این امر برمی‌گردد. ما به هیچ وجه یک بسته سیاستی به اصطلاح نئوکلاسیک‌ها، جهان‌شمول را نپذیرفتیم، بلکه مجموعه اصول علم اقتصاد را در باور داشتیم. برای مثال می‌دانستیم اصلاح قیمت‌ها باید صورت بگیرد تا مردم و بنگاه‌های اقتصادی علامت‌های مناسب و درست دریافت کنند. در واقع دولت قصد داشت ساختارهای اقتصادی را اصلاح کند نه اینکه طرف اجتماعی را بشکند. در جاهایی که ساختار اقتصادی را بدون تناسب با ظرف اجتماعی اصلاح کردند، یعنی قیمت‌ها اصلاح شدند، اما مردم حمایت نشدند، ظرف اجتماعی شکست و آن ساختار هم فروریخت. اما این اتفاق در این طرح نیفتاد، البته اگر به توصیه این آقایان گوش می‌دادیم بدون شک در ایران نیز این نوع اتفاقات ناگوار رخ می‌داد.



ماجرای فروش آرد نسیه به کارخانجات آرد

برای اجراء فاز دوم به درخواست آقای غضنفری وزیر صنعت، معدن و تجارت، برای سخنرانی در جلسه‌ای دعوت شدم. در اثنای جلسه فردی بلند شد و با صدای بلند گفت: من مسئول فلان بخش آرد هستم، دولت قرار بود ما را حمایت کند اما هیچ فعالیت و کمکی به ما صورت نگرفت. آقای غضنفری در آن لحظه حضور ذهن نداشت و با سعه صدر خاصی بر حمایت از تولیدکنندگان تأکید مجدد کرد. اما بنده وقتی پشت تریبون قرار گرفتم خطاب به آن فرد گفتم مگر تحویل نسیه گندم به کارخانه آرد حمایت محسوب نمی‌شود. شما از دولت چگونه حمایتی می‌خواهید؟ شما قبلاً گندم آمانی تحویل گرفته و آن را تبدیل به آرد می‌کردید و در ازای این کار دستمزد می‌گرفتید. اما حالا ما این گندم را به شما نسیه فروخته‌ایم تا شما به مردم نقد بفروشید. آیا شما توقع حمایتی بیش از این را از دولت دارید. به نظر شما این حمایت نیست؟ بعد از صحبت‌های من تغییر فضای جلسه کاملاً مشهود بود. وقتی پس از پایان جلسه از پله‌ها پایین می‌آمدم، معاون دکتر غضنفری به من گفت: این حضور ذهن شما به ما کمک کرد تا سرمان را در قبال این نوع اعتراض‌ها پایین نیندازیم.

بشرش

بشرش